

## بانک‌ها در حصار

استادان و صاحب‌نظران از چالش‌ها و موانع پیش‌روی نظام بانکی کشور و راهکارهای توسعه آن می‌گویند.



### هزینه‌های دولتی بودن

#### دکتر جمشید پژویان

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

● مشکلات متعدد نظام بانکی کشورمان، اکثراً ساختاری هستند و در این میان، بزرگترین و جدی‌ترین چالش موجود، دولتی بودن بانک‌ها می‌باشد، زیرا بانکداری از جمله بخش‌ها و حوزه‌هایی است که ماهیتاً باید در چارچوب فعالیت‌های بخش خصوصی باشد. اما در ایران، دولت جایگزین بخش خصوصی شده و همین جایگزینی، عدم کارایی را به همراه آورده است. اگر بنگاه‌های اقتصادی که باید ماهیت خصوصی داشته باشند، به وسیله دولت اداره شوند، هزینه‌هایشان افزایش یافته و ناکارا می‌شوند. به عنوان مثال، در حوزه بانکداری، مدیریت دولتی به دلیل فقدان انگیزه سودآوری، اعتبارات بانکی را بدون مطالعه اقتصادی تخصیص می‌دهد. در نتیجه، تضمینی برای تخصیص بهینه و بازگشت این اعتبارات وجود نداشته و زمینه تقلب در نظام بانکی افزایش می‌یابد.

به موازات، تخصیص اعتبارات و تسهیلات بدون بررسی توجیه اقتصادی پروژه‌ها، سبب می‌شود تا تفاوت نرخ سود تسهیلات با نرخ سود سپرده‌ها بیش از حد منطقی (حدود ۱۰ درصد) گردد. البته بخشی از بالا بودن نرخ سود به دلیل بالا بودن نرخ تورم است، اما حتی در صورت کنترل تورم، به دلیل هزینه‌هایی که به آنها اشاره کردیم، نرخ سود همچنان بالا خواهد بود. در خصوص رفع این معضل، بهتر است بانک‌ها به استثنای یک یا دو بانک خاص که به ضرورت بازار پول کشورهایی مانند ایران باید دولتی باشند، خصوصی شوند، به طوری که سهم بخش دولتی کمتر از بخش خصوصی باشد. چرا که انتظار این است بخش خصوصی، رهبری فعالیت‌ها و رعایت اصل کارایی را به عهده داشته باشد و بانک‌های دولتی به تبعیت از بخش خصوصی عمل کنند. در چنین وضعیتی، بانک‌های دولتی نیز خود به خود در ارایه تسهیلات با دقت و انضباط بیشتری عمل خواهند کرد.

● وظیفه نظام بانکی این است که پس‌اندازهای افراد را که اکثراً ریسک‌گریزند و یا پس‌انداز اندکی دارند، جمع‌آوری کرده و در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند. بر این اساس، یک بانک کارآمد بانکی است که بیشترین میزان پس‌انداز را جمع‌آوری کرده و با اولویت دادن به پروژه‌های پر بازده، به تخصیص اعتبارات پردازد.

● مهمترین تغییر باید در شورای پول و اعتبار ایجاد شود، زیرا این شورا مقررات را پدید می‌آورد و به همین

پیرو تلاش‌هایی که هم‌اکنون در بدنه کارشناسی دولت و بانک مرکزی جهت تحول رفتاری نظام بانکی و نیز بازنگری قوانین و مقررات بانکی به منظور رفع ضعف‌ها و تقویت نقاط قوت نظام بانکی و افزایش نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشور در حال انجام است، واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» طی پرسشنامه‌ای با حضور تئتی چند از نمایندگان مجلس، صاحب‌نظران و استادان دانشگاه، ضمن بررسی چالش‌ها و مشکلات نظام بانکداری کشور به تجزیه و تحلیل راهکارهای رفع موانع و اصلاح آن پرداخته است.

سؤالات مربوطه و پاسخ‌های کسب شده در ادامه آمده است.

۱) نظام بانکی کشورمان در مسیر فعالیت‌ها و کارکردهای امروزی خود، با چه چالش‌ها و موانعی مواجه است؟ راهکارها و توصیه‌های جنابعالی برای رفع این چالش‌ها و موانع در راستای رشد و توسعه نظام بانکی کشور چیست؟

۲) ویژگی‌ها و خصوصیات یک نظام بانکی کارا و مؤثر چه می‌باشند؟

۳) مهمترین و ضروری‌ترین قوانین و بخش‌های نظام بانکی کشور که باید مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرند، کدامند؟

بنماید. در واقع، برخلاف آنچه که برخی از مسئولان بیان می‌دارند، مشکل نظام بانکی، قانون عملیات بانکی بدون ربا نیست بلکه مشکل اصلی، عدم اجرای کامل و دقیق این قانون می‌باشد. لذا نباید در شرایطی که برای ایجاد اصلاحات در نظام بانکی تلاش می‌شود، از طریق تعریف غلط و عدم آسیب‌شناسی درست مسأله، امکان ایجاد اصلاحات را از بین ببریم. در این میان، مفاهیم و ادبیات سرمایه‌داری و به تبع آن، بانکداری مبتنی بر بهره، از مهمترین موانع پیش‌روی اصلاحات بانکی کشور است. در واقع، اشخاصی که در ۲۴ سال گذشته، اجرای بانکداری بدون ربا را از مسیر اصلی خود منحرف کرده‌اند، خود بزرگترین مانع بر سر راه اصلاح نظام بانکی محسوب می‌شوند.

● نظام بانکی مؤثر در کشور باید با تسریع رقابت در عقود غیرمشارکتی و کاهش هزینه‌های مبادلاتی، زمینه‌های تسهیل گردش منابع را برای فعالان اقتصادی فراهم آورده و در عقود مشارکتی، به صورت یک بازار سرمایه عمل کند. به عبارت دیگر، بهتر است بخش سرمایه‌گذاری موجود در نظام بانکی، تحت عنوان بخش سرمایه‌گذاری در درون و یا شکلی از نظام بانکی به صورت بازار سرمایه، اقدام به سرمایه‌گذاری پول سپرده‌گذاران نموده و آنها را در سود حاصله و همچنین سهمی از واحدهای احداث شده در جریان سرمایه‌گذاری مشارکت دهد. بدین ترتیب، انتظار سپرده‌گذاران از دریافت بازدهی‌های غیردولتی ماهانه، به انتظار آنان به دریافت سود پس از انجام سرمایه‌گذاری، متحول شده و در عین حال، کارایی سرمایه‌گذاری و تأثیر آن در بخش حقیقی اقتصاد متبلور می‌گردد.

● در حال حاضر مسأله اصلی نظام بانکی، اصلاح قوانین آن نیست، مگر زمانی که نکاتی در قوانین مصوب قبل از انقلاب یافت شود که با قانون عملیات بانکی بدون ربا سازگار نباشد. ■



### مشکلی به نام بانکداری سرمایه‌داری

#### دکتر حسن سبحانی

#### نماینده مردم دامغان

● نظام بانکی کشور در حال حاضر با چالش‌های متعددی مواجه است که عمده‌ترین آن، چالش یا بحران هویت است. نظام بانکی متأسفانه با نوعی کارکرد دو جنسی مواجه است یعنی از یک طرف در ساز و کارهای اجرایی خود از ظرف ملزومات بانکداری‌های متعارف و ربوی برخوردار است و از سوی دیگر، درون این ظرف به طور ناقص برخی از مضامین بانکداری بدون ربا را تجربه می‌کند. در واقع نوعی التقاط بین ظرف و مظلوف به وجود آمده است که همین موضوع، بزرگترین چالش آن هم به حساب می‌آید. امور دیگری مثل کم بودن بهره‌وری و پایین بودن کارایی، نرخ‌های بهره دریافتی یقیناً بالا (البته تحت عنوان نرخ سود)، نیروی انسانی نه چندان متخصص و کارآمد و همچنین فقدان نیروی برجسته کارشناسی که به بانکداری بدون ربا وقوف و ایمان داشته باشند از دیگر موانع بانکداری ایران است.

نظام بانکی باید به بازیابی هویتی که قانون برای آن اراده کرده بازگردد و تلاش کند با استفاده از ذهنیت و ادراک فرهنگی جامعه ایران و بکارگیری آن در نظامات پولی و سرمایه‌ای، از تسهیل و تسریعی که این مفاهیم در پیشبرد اهداف بانکی و سرمایه‌ای به وجود می‌آورند، حداکثر استفاده را

بین مردم و سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی نبوده و به ویژه، بخش خصوصی با صرف زمان و گذراندن مشکلات عدیده، موفق به دریافت تسهیلات بانکی شده است.

در حقیقت، وجود بوروکراسی گسترده و بانک محوری، عرصه را بر بخش خصوصی تنگ کرده است. به موازات، مشتری‌مداری در سیستم بانکی کم‌رنگ شده است. حتی بانک‌ها در سال‌های اخیر، به عنوان یک سرمایه‌گذار در فعالیت‌های اقتصادی، سهم قابل توجهی داشته‌اند که این وضعیت، عملاً فرصت‌ها را از بخش‌های تعاونی و خصوصی گرفته است. همین مسأله یک چالش و مشکل عمده نظام بانکی ایران تلقی می‌شود- بدتر آن که بانک‌ها همچنان اصرار دارند این روند نامطلوب ادامه یابد.

● بانک‌های موفق و ایده‌آل، بانک‌هایی هستند که در فضای رقابتی مشغول فعالیت بوده و بوروکراسی در آنها به حداقل برسد. میزان سپرده‌های دیداری و غیردیداری مردم و مؤسسات دولتی نیز بر اساس قانون و با نظارت دقیق در جریان تولید قرار گرفته و بانک، تسریع‌کننده فعالیت‌های سایر بخش‌های اقتصادی باشد.

● به طور کلی بانک‌ها باید در جریان تولید، فعالیت کنند. البته جریان وجوه و حجم پول در گردش بانک‌ها به جریان تولید کمک می‌کند اما بانک‌ها باید وظیفه اصلی خود که همان واسطه‌گری مالی است را انجام دهند.

متأسفانه جریان نظارتی کاملی در مسیر اعطای وام به مشتریان و متقاضیان تسهیلات وجود ندارد که این امر منابع را هدر می‌دهد. به نظر می‌رسد تصویب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و آیین‌نامه‌های مرتبط، فرصتی طلایی در دست دولت قرار داده که نظام بانکی کشور را احیا نماید. البته فراموش نشود که بانک نباید به عنوان یک بنگاه اقتصادی عمل کرده و به دنبال دریافت سود باشد. بانک‌ها باید رابط مالی فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی در جهت افزایش تولید و ارزش افزوده باشند تا به توسعه و رشد اقتصادی کشور کمک کنند.

در این میان، واگذاری سریع سهام بانک‌های دولتی به مردم، لازمه توسعه اقتصادی، رفع بوروکراسی و افزایش انگیزه بخش خصوصی برای ورود به عرصه فعالیت‌های اقتصادی است. اما متأسفانه تاکنون بخش اعظم وام‌های اعطایی بانک‌ها در اختیار بخش تولید قرار نگرفته و عمدتاً در جریان معاملات واسطه‌ای و دلالی و جریان خرید و فروش کالاها و خدمات به کار رفته است. این امر باعث افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات و در نهایت، افزایش تورم شده است.

بدین ترتیب، تسهیلات اعطایی بانک‌ها نه در جریان خرید کالا قرار گرفته و نه در جریان تولید. لذا اثرات تورمی در اقتصاد داشته که این امر، ناشی از اعطای وام به بخش غیر مولد بوده است لذا نحوه وام‌دهی بانک‌های کشور، باید به سرعت اصلاح گردد. ■

نیروهای مولد، به عنوان استراتژی اقتصادی، سرلوحه فعالیت نظام بانکی قرار بگیرد. بدین ترتیب نظام بانکی به طور کامل و همه‌جانبه از نیروهای مولد و توسعه‌ای کشور حمایت خواهد کرد. بنابراین باید با الگو قرار دادن بانکداری اسلامی و در نظر گرفتن سودهای متفاوت، بهره (سود) کمتری را از تسهیلات پرداختی نیروهایی که در فعالیت‌های استراتژیک مانند فن‌آوری اطلاعات، نانو و بیوتکنولوژی، صنعت خودروسازی و صنعت پتروشیمی، نفت و مشتقات آن سرمایه‌گذاری نموده‌اند دریافت کرد. در مقابل، در بخش‌های تجاری نظیر واردات کالا و یا ساختمان‌سازی، نرخ سود آزاد با توجه به سود حاصل از این فعالیت‌ها مشخص می‌شود تا از این طریق، افراد به سرمایه‌گذاری در بخش‌های توسعه‌ای و زیربنایی تشویق شوند.

راهکار دیگر، توسعه خدمات قرض‌الحسنه در بانک‌ها است تا سرمایه‌های مردم جذب شده و در صورت لزوم، با نرخ اندک به متقاضیان هدف ارایه گردد. جلوگیری از دایر نمودن شعب در مراکز خرید گرانقیمت، توسعه و ترویج بانکداری الکترونیک و توسعه شبکه شتاب و غیره که باعث کاهش قابل توجه هزینه‌ها می‌شود، مجهز بودن بانک‌ها به شبکه‌های اطلاع‌رسانی دقیق و مناسب و در نهایت، برقراری ارتباط با بانک‌های خارجی برای توسعه فعالیت بخش‌های مولد و توسعه‌ای از جمله راهکارهای مفید در این زمینه است.

● شفافیت عملکرد بانک به نحوی که سپرده‌گذاران به بهترین نحو و بدون مواجهه با بوروکراسی بتوانند نیازهای خود را تأمین کنند، مهمترین ویژگی و خصوصیت یک نظام بانکی کارا و مؤثر است.

● قوانینی باید مورد بازنگری قرار بگیرند که به موجب آن، بخش اعظم سپرده‌های بانک به فعالیت‌های استراتژیک و توسعه‌ای اختصاص می‌یابد و یا از این بخش‌ها سود کمتری در مقابل بخش‌های غیرمولد دریافت می‌شود. ■



### وام‌های تورم‌زا

#### دکتر یوسف محنت‌فر

#### عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

● در حال حاضر ۹۰ درصد حجم نقدینگی کشور در بانک‌ها مدیریت می‌شود. اما این حجم نقدینگی بر اساس رویه معمول بانکی، در گردش اقتصادی و حتی غیراقتصادی است. بنابراین بانک‌ها در گردش پولی کشور نقش بسیار مهمی دارند. متأسفانه بزرگترین چالش موجود در نظام بانکی ایران، بنگاهی عمل کردن بانک‌های کشورمان است که موجب شده بانک‌ها کمتر به وظایف بانکداری خود توجه کنند. طی سال‌های اخیر، بانک واسطه خوبی

دلیل، باید تخصصی و غیردولتی باشد و کسانی به عضویت آن درآیند که در حوزه بانکداری، متخصص و صاحب‌نظر باشند. در این صورت، قوانین و مقرراتی وضع می‌شود که به کارایی نظام بانکی منجر خواهد شد. در این میان، قوانین مربوط به عدم دخالت در تعیین دستوری نرخ‌های سود و واگذاری آن به بازار، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ■



### فضای لاتاری نظام بانکی ایران

#### دکتر بهنام ملکی

#### استاد دانشگاه و مدیر گروه اقتصاد شبکه چهار سیما

● چالش‌ها و موانع توسعه نظام بانکی کشور به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند. یک دسته عواملی که خارج از سیستم بانکی قرار می‌گیرند و ناشی از ساختار غیرمولد اقتصاد ایران هستند که به دلیل سوددهی بالای بخش‌های غیرمولد، تمام سرمایه‌ها به این بخش‌ها جذب شده و نظام بانکی با چالشی در این زمینه رویه‌رو می‌گردد. دسته دیگر، مشکلات ساختاری بانک‌ها و سیستم اجرایی و عملکرد آنها در زمینه‌های مختلف می‌باشد که می‌توان مصادیق زیر را برای این دسته برشمرد:

اولین و اساسی‌ترین مشکل در نظام بانکی ایران، یکسان بودن نرخ سود برای تمامی بخش‌ها می‌باشد، به طوری که بخش‌های مولد و توسعه‌ای و بخش‌های غیرمولد، هر دو نرخ سود یکسانی را پرداخت می‌کنند. این شرایط، مشکلات و موانعی را هم برای نظام بانکی و هم برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند.

مشکل دیگر، تجهیز نشدن بانک‌ها و شعب آنها به نظام بانکداری الکترونیک می‌باشد. البته در برخی از شعب از نظر سخت‌افزاری مشکلی دیده نمی‌شود، اما از نظر نرم‌افزاری هنوز نقص‌ها و مشکلات زیادی وجود دارد. شفاف نبودن فعالیت و گردش کار در بانک‌ها که سبب اتلاف وقت مشتری نیز می‌شود، از دیگر مشکلات بانکداری کشورمان است. بالا بودن هزینه دریافت و پرداخت پول، ساعات کاری پایین و متخصص نبودن نیروی انسانی، هزینه‌های بالای جوایز، دایر نمودن شعب بانک‌ها در مراکز خرید گرانقیمت و خیابان‌های اصلی که باعث بالا رفتن هزینه‌های جاری بانک می‌شود، تأسیس شعب جدید بدون افزایش ساعات کاری، نبود رقابت سالم که فضای رقابتی بانک‌ها را به فضای لاتاری شبیه کرده است و سهیم نکردن سپرده‌گذاران در سود واقعی حاصل از درآمدهای بانکی جملگی از مهمترین چالش‌های پیش‌روی نظام بانکی کشورمان به شمار می‌روند.

به عنوان راهکار اصلی، لازم است تجهیز ساختارهای اقتصادی در جهت تولید و توسعه